View the original article

محیط زیست

گفت‌وگو با شناگر سرشناسی که در میانه جنگ در تنگه هرمز به آب زد؛ «در تمام عمرم چنین چیزی ندیده بودم»

هانا کاویانی

۰۵/آذر/۱۴۰۵


Lewis Pugh Foundation (Courtesy Photo)

لوئیس پیو، شناگر استقامت اهل بریتانیا و آفریقای جنوبی و فعال محیط‌زیست، این بار با شنایی نمادین توجه جهانیان را به پیامدهای زیست‌محیطی جنگ در یکی از مهم‌ترین آبراه‌های راهبردی جهان، تنگه هرمز، جلب کرده است.

او که پیش‌تر در آب‌های قطبی، دریای سرخ و دیگر نقاط جهان با هدف حفاظت از طبیعت شنا کرده بود، این بار در شرایطی متفاوت و پرخطر به آب زد؛ جایی که جنگ، حمله به کشتی‌ها و آلودگی ناشی از آن، حیات دریایی و زندگی میلیون‌ها انسان را تهدید می‌کند.

لوئیس پیو در گفت‌وگوی اختصاصی با رادیو فردا از انگیزه‌اش برای انتخاب تنگه هرمز، تجربهٔ شنا در منطقه‌ای جنگی، پیامدهای بلندمدت جنگ برای انسان و طبیعت و ضرورت پایان دادن به درگیری‌ها گفته است.

بیشتر در این باره:



شنای سه‌روزه شناگر استقامت در تنگه هرمز برای هشدار درباره عواقب جنگ برای محیط زیست

- **پیش از هر چیز می‌خواهم بدانم چرا تنگه هرمز را انتخاب کردید؟ شما در نقاط مختلف جهان شنا کرده‌اید؛ چرا این بار تنگه هرمز؟**

فکر می‌کنم به این دلیل که تنگه هرمز یکی از حیاتی‌ترین آبراه‌های راهبردی جهان است و جایی بود که می‌توانستم دربارهٔ تأثیر جنگ بر محیط‌زیست صحبت کنم. به‌نظرم هم این مکان و هم، قطعاً، این مقطع زمانی برای چنین کاری مناسب بود.

- **فراهم کردن مقدمات و هماهنگی‌های لازم چقدر طول کشید؟ به هر حال، می‌توان گفت این منطقه به‌نوعی منطقهٔ جنگی است.**

بله، کاملاً. مدت‌ها بود که به انجام یک شنای نمادین برای جلب توجه به تأثیر جنگ بر محیط‌زیست فکر می‌کردم. وقتی جنگ در ماه فوریه آغاز شد، بلافاصله با خودم گفتم: «باید این‌جا شنا کنم.» اما لازم بود مسائل اجرایی، ایمنی، چگونگی رساندن پیام و همهٔ این موارد را بررسی کنیم. تازه پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا بود که به خودم گفتم: «خب، حالا وقتش رسیده است.»

همهٔ مراحل برنامه‌ریزی و آماده‌سازی را پشت سر گذاشتیم و البته تمرینات شنا هم لازم بود. هماهنگی‌های اجرایی یک مسئله است، اما باید از نظر جسمی و ذهنی هم خودتان را آماده کنید.

بسیاری از شناهایی که تاکنون انجام داده‌ام در آب‌های بسیار سرد بوده‌اند؛ برای مثال، نخستین شنایم در قطب شمال با هدف جلب توجه به ذوب شدن یخ‌های دریایی آن منطقه بود. در دریای سرخ شنا کرده‌ام تا دربارهٔ اهمیت صخره‌های مرجانی صحبت کنم. گاهی هم هنگام شنا با عروس‌های دریایی روبه‌رو می‌شوم. پارسال نیز در آمریکا شنا کردم تا دربارهٔ اهمیت کوسه‌ها صحبت کنم.

در همهٔ این موارد با پدیده‌ای طبیعی سروکار داشتم، اما این بار شرایط کاملاً متفاوت بود. پهپادها، جنگنده‌ها، مین‌های دریایی و آلودگی نفتی وجود داشتند. همهٔ این‌ها حاصل فعالیت انسان‌اند. بنابراین، باید از نظر روانی خودم را برای چنین شنایی آماده می‌کردم.

- **آیا شنا کردن در آن‌جا برایتان لذت‌بخش هم بود؟**

شنا کردن در جایی که اکنون صحنهٔ درگیری نظامی است، هیچ لذتی برایم نداشت. اما این منطقه واقعاً یکی از زیباترین نقاط جهان است؛ نکته‌ای که به‌نظرم رسانه‌ها اغلب از آن غافل می‌شوند.

من در نقاط بسیار زیادی شنا کرده‌ام. در بخش عمانی تنگه، در شبه‌جزیرهٔ مسندم، کوه‌ها و آبدره‌های فوق‌العاده‌ای وجود دارد. در خلیج عمان صخره‌های مرجانی و در سمت ایران جنگل‌های حرا را داریم. در آب‌های این منطقه دلفین‌ها، لاک‌پشت‌های دریایی و گاوهای دریایی زندگی می‌کنند و پرندگان شگفت‌انگیزی هم در آن‌جا هستند.

یک بار دیدم عقابی ماهی‌گیر از کوه‌های شبه‌جزیرهٔ مسندم به‌سمت دریا پرواز کرد، در آب شیرجه زد و ماهی گرفت. بعد ماهی را به صخره‌ای برد و شروع به خوردن آن کرد.

واقعاً جای شگفت‌انگیزی است. شنا کردن در آن‌جا برایم افتخار بزرگی بود، اما طبیعتاً شنا در یک منطقهٔ جنگی هیچ لذتی ندارد.



- **کمی دربارهٔ شرایط جنگی منطقه صحبت کنیم. در نوشته‌هایتان به حمله به نفتکش‌ها و موج‌هایی اشاره کرده بودید که هنگام شنا احساس می‌کردید؛ گویی انفجارها را در آب حس می‌کردید. چه تجربه‌ای بود؟**

فکر می‌کنم نکتهٔ مهمی که می‌خواهم مطرح کنم این است که تا وقتی به نابودی بنیان‌های حیات روی زمین ادامه می‌دهیم، هرگز میان ملت‌ها صلح برقرار نخواهد شد.

هر هفته ده‌ها نفتکش، کشتی حامل گاز و کشتی باری هدف حمله قرار می‌گیرند. این حملات آلودگی گسترده‌ای ایجاد می‌کنند که باعث مرگ حیات‌وحش و نابودی منابع آب می‌شود. مسئله فقط آلودگی نفتی هم نیست؛ فلزات سنگین و مواد سمی نیز وارد آب می‌شوند و دریا را برای دهه‌ها آلوده می‌کنند.

روز اول، در همان ۳۰ دقیقهٔ نخست شنا، یک نفتکش در نزدیکی ما هدف حمله قرار گرفت و بلافاصله شنا را متوقف کردیم. روز دوم شاهد حمله به یک کشتی حامل گاز مایع بودیم. برای شنوندگانتان توضیح بدهم که این نوع کشتی به‌جای نفت، گاز حمل می‌کند.

ما شاهد این حمله بودیم. در تمام عمرم چنین چیزی ندیده بودم. آتش‌سوزی در کشتی چنان شدید بود که شعله‌ها شاید تا ارتفاع ۲۰۰ متری به آسمان زبانه می‌کشیدند و گوی‌های عظیم آتش شکل می‌گرفتند. بوی مواد شیمیایی را احساس می‌کردیم. حتی آب اطراف کشتی هم می‌سوخت.

تنها دو روز پیش از آن حمله، در دهانهٔ یکی از زیباترین آبدره‌های شبه‌جزیرهٔ مسندم شنا کرده بودم؛ همان جایی که دلفین‌ها به کنارم آمده بودند و آن عقاب ماهی‌گیر در آب شیرجه زده بود. حالا با توجه به جهت وزش باد و جریان آب، همهٔ آن آلودگی مستقیماً به‌سمت همان آبدره می‌رفت.

البته وقتی با چنین صحنهٔ تکان‌دهنده‌ای روبه‌رو می‌شوید، نخستین نگرانی‌تان خدمهٔ کشتی است. تصور کنید هنگام برخورد موشک به کشتی و وقوع آن آتش‌سوزی عظیم، چه وحشتی را تجربه کرده‌اند.

آن کشتی‌ها در قالب یک کاروان حرکت می‌کردند؛ چندین کشتی تلاش می‌کردند از خلیج فارس خارج شوند، از تنگه هرمز عبور کنند و به خلیج عمان برسند.

تصور کنید دیدن صحنهٔ حمله به یکی از نفتکش‌های آن کاروان چقدر وحشتناک است، وقتی به‌خوبی می‌دانید که کشتی بعدی ممکن است کشتی خودتان باشد.

- **آیا هنگام حمله به این کشتی‌ها خودتان پرتابه‌ها را دیدید؟ می‌دانستید که با موشک هدف قرار گرفته‌اند؟ در این منطقه هم شاهد حملات با پرتابه‌ها بوده‌ایم و هم انفجار مین‌های دریایی. آیا می‌دانید عامل انفجارهایی که مشاهده کردید چه بود؟**

روز اول به ما گفته شد که نفتکش با یک پرتابه هدف قرار گرفته بود. روز دوم، کشتی حامل گاز مایع به نام «تارا گاز» مورد حمله قرار گرفت. من لحظهٔ برخورد موشک به کشتی را ندیدم. در آب بودم و کوهی میان ما و کشتی قرار داشت.

مشغول شنا بودم که اعضای تیمم مرا متوقف کردند و گفتند: «به کوه نگاه کن.» می‌دیدیم که دود از پشت کوه بالا می‌آید. ارتفاع آن کوه حدود ۱۵۰ متر بود. بعد ناگهان دیدیم که شعله‌های آتش از پشت کوه زبانه می‌کشند.

فکر کردیم هنوز می‌توانیم با ایمنی نسبی به شنا ادامه دهیم، چون کوه میان ما و کشتی قرار داشت. آن روز چهار ساعت شنا کردم. بعد سوار قایق شدم و وقتی از کنار کوه گذشتیم، کشتی را دیدم که در آتش می‌سوخت.

واقعاً صحنه‌ای جهنمی بود. آتش‌سوزی تمام آن روز و تمام شب ادامه داشت و روز بعد هم هنوز خاموش نشده بود.

بعد کشتی را به منطقهٔ دیگری منتقل کردند تا در محل امن‌تری قرار بگیرد، چون انفجار یک کشتی حامل گاز می‌تواند برای همه پیامدهای ویرانگری داشته باشد. کشتی در نزدیکی بندری قرار داشت که جمعیت زیادی در آن زندگی می‌کنند. بنابراین آن را به آبدرهٔ دیگری منتقل کردند که یک مزرعهٔ بزرگ پرورش ماهی در آن قرار داشت.

این یکی از مشکلات آلودگی است. همان‌طور که گفتم، آلودگی حیات‌وحش را از بین می‌برد. اما ماهی‌ها این مواد آلاینده را نیز می‌بلعند و ماهی‌های دیگر آن‌ها را می‌خورند. به این ترتیب، آلودگی در سراسر زنجیرهٔ غذایی منتقل می‌شود.

ممکن است در فاصله‌ای بسیار دور از محل حادثه، ماهی‌ای بخورید که هنوز آن مواد سمی و شیمیایی را در بدن خود دارد.

اما برگردم به سؤال اصلی شما: آیا می‌دانم که موشک بوده یا نه؟ دربارهٔ کشتی «تارا گاز»، رسانه‌ها به‌طور گسترده گزارش داده‌اند که موشک به آن برخورد کرده است.



- **به نقاط مختلفی اشاره کردید که در آن‌ها شنا کرده‌اید. آیا برای این شنا لازم بود با طرف‌های ایرانی و عمانی هماهنگ کنید؟**

به همهٔ طرف‌های مربوط اطلاع دادیم که قصد دارم این شنا را انجام دهم و تاریخ‌های آن را نیز اعلام کردیم.

- **آیا از این اقدام استقبال کردند؟**

نه، هیچ پاسخی دریافت نکردیم.

- **شما دربارهٔ تأثیرات بلندمدت جنگ بر طبیعت صحبت کرده‌اید. برخی نیز نوشتهٔ شما دربارهٔ این شنا را بازنشر کرده و از این‌که در آن مستقیماً به مردم و رنج آن‌ها اشاره نکرده‌اید، انتقاد کرده‌اند. می‌خواهم فرصت طرح این موضوع را هم داشته باشم و نظر شما را بشنوم.**

بله، در تک‌تک مصاحبه‌هایی که انجام داده‌ام، صحبت‌هایم را با این نکته آغاز کرده‌ام که جنگ رنج عظیمی بر انسان‌ها تحمیل می‌کند. مردم کشته می‌شوند، خانواده‌ها از هم می‌پاشند و خانه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس ممکن است ظرف چند دقیقه نابود شوند. این موضوع را بارها و بارها مطرح کرده‌ام.

من در کودکی عملاً در یک بیمارستان نیروی دریایی بزرگ شدم. پدرم پزشک نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا بود. به یاد دارم که در دوران کودکی ملوانان و سربازانی را می‌دیدم که دست یا پایشان را از دست داده بودند.

بعضی از آن‌ها در جنگ جهانی دوم مجروح شده بودند، اما جراحت‌های برخی دیگر حتی به جنگ جهانی اول، یعنی سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸، بازمی‌گشت.

آثار جنگ برای مدتی بسیار، بسیار طولانی باقی می‌ماند. در این جنگ نیز افرادی مجروح خواهند شد که شاید تا سال‌های سال به مراقبت‌های پزشکی نیاز داشته باشند. همین مسئله دربارهٔ طبیعت هم صدق می‌کند. آثار زیست‌محیطی این جنگ از عمر همهٔ ما فراتر خواهد رفت.

بنابراین پیام من بسیار ساده است: باید به این جنگ و درگیری پایان دهیم، تنگه را باز کنیم و آلودگی‌ها را پاک‌سازی کنیم.

در شمال شبه‌جزیرهٔ مسندم، روستای کوچکی به نام خصب وجود دارد؛ جایی واقعاً زیبا، یکی از زیباترین روستاهایی که می‌توانید تصور کنید.

در دره‌ای بالاتر از این روستا، چاه آب زیبایی وجود دارد. از روستا عبور می‌کنید و از مسیری باریک در میان دره بالا می‌روید تا به آن چاه برسید. دلیل اصلی شکل‌گیری این روستا همین منبع آب شیرین بوده است.

نسل‌های متمادی، دریانوردان کشتی‌هایشان را در آن‌جا متوقف می‌کردند، آب شیرین برمی‌داشتند و سپس به مسیرشان به‌سمت داخل یا خارج خلیج فارس ادامه می‌دادند.

اما امروز اگر به آن‌جا بروید، مانع شناور بزرگی به رنگ نارنجی در مقابل روستا می‌بینید که برای جلوگیری از ورود آلودگی نفتی به کار می‌رود.

این مانع برای محافظت از روستا در برابر نفتی است که از کشتی‌های هدف حمله نشت می‌کند و تنگه هرمز را آلوده می‌کند. با توجه به جهت جریان آب، نفت می‌تواند مستقیماً به ساحل روستا برسد.

این مانع نه‌تنها از روستا، بلکه از تأسیسات آب‌شیرین‌کن آن نیز محافظت می‌کند.

اگر در دبی، ابوظبی یا در سمت ایران زندگی می‌کنید و به دریا نگاه می‌کنید، در واقع دارید به آب آشامیدنی خودتان نگاه می‌کنید.

وقتی تأسیسات آب‌شیرین‌کن یا زیرساخت‌های انرژی هدف حمله قرار می‌گیرند، در واقع آب شیرینی هدف قرار می‌گیرد که ده‌ها میلیون نفر به آن وابسته‌اند.

این کار جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد.



هانا کاویانی

هانا کاویانی، از سال ۱۳۸۶ با رادیو فردا به عنوان خبرنگار و گزارشگر همکاری می‌کند. او در این مدت تحولات سیاسی و دیپلماتیک از جمله فراز و فرودهای مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران، و مذاکرات منتهی به توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی را از نزدیک دنبال کرده است.

این مطلب بخشی از:

بایگانی | محیط زیست | فراتر از خبر

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.